

## مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی اصفهان از نظر میزان انطباق‌پذیری با شاخص‌های ایرانی - اسلامی مطالعه موردی: محله‌های جویباره و شهرک نگین\*

جمال محمدی<sup>۱\*</sup> (نویسنده مسئول)، سیدرضا آزاده<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان  
<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم جغرافیایی و برنامه‌ریزی، دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۰)

### چکیده

امروزه در ادبیات برنامه‌ریزی و طراحی شهری، توجه به مقیاس‌های فضایی کوچک همچون محله‌های شهری به عنوان مهم‌ترین مکان سکونت شهروندان از اهمیت بالایی برخوردار است. در این زمینه توجه به ارزش‌ها و اصول دین اسلام، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت طراحی و ویژگی‌های محله‌های شهری دارد. این پژوهش ویژگی‌های طراحی شده در محلات را با کمک شاخص‌های مستخرج از اصول دین مبین اسلام مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این راستا دو محله (محله قدیمی جویباره و محله جدید شهرک نگین) در شهر اصفهان انتخاب شد. سپس شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی بر اساس اصول دین اسلام استخراج شد. در این زمینه ۲۵ شاخص در سه بعد کالبدی - محیطی، اقتصادی و اجتماعی انتخاب شد. در گام بعدی، با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه و مطالعات میدانی، داده‌های پژوهش گردآوری شد. در مرحله بعد، اطلاعات جمع‌آوری شده وارد نرم‌افزار SPSS شد. نهایتاً وضعیت دو محله مورد مطالعه از حیث شاخص‌های طراحی محله‌های اسلامی با استفاده از آزمون تی دو نمونه‌ای مقایسه شد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که میانگین‌های دو گروه در دو محله مورد مطالعه، در ۲۰ شاخص تفاوت معناداری دارند و همچنین میانگین شاخص‌ها در محله جویباره بسیار بالاتر از شهرک نگین است. بیشترین اختلاف بین دو محله مورد مطالعه به ترتیب در بخش‌های اجتماعی، کالبدی و اقتصادی است. نکته حائز اهمیت آنکه این دو محله در بخش اقتصادی، اختلاف بسیار ناچیزی دارند.

واژگان کلیدی: طراحی، محله مسکونی، شهر اسلامی، شاخص، جویباره، شهرک نگین، اصفهان.

شهر به مثابه بستر زندگی جمعی در جوامع مختلف ویژگی‌های متفاوتی داشته است. بررسی روند شکل‌پذیری شهرهای مختلف در تاریخ، اثرپذیری آن را از مؤلفه‌های اقلیمی، محیطی، اعتقادی، تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و دینی نشان می‌دهد (مردانی، ۱۳۹۴: ۶۶). دین اسلام به عنوان یک دین جامع که دارای احکام، قواعد و رهنمودهای معین و روشن است، در همه حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی و در همه عرصه‌های مربوط به حیات مادی و فضاهای سکونتگاهی از جمله در نحوه شهرنشینی و شکل شهرها نقش مؤثر و قاطعی ایفا نموده است (سقائی، ۱۳۸۶: ۱۲). در واقع حاکمیت تفکر آیینی بر شهر و فعالیت‌های جاری در آن، موجب گردید تا ساختار شهری جدید با عنوان شهر اسلامی شکل گیرد (غلامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۲). رواج تعبیر «شهر اسلامی» و اطلاق آن به شهرهای مسلمانان با این فرض که این شهرها، از نظر کالبدی، جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده، از قرن نوزدهم میلادی و به وسیله مستشرقین آغاز شد (نقی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

پیدایش مفهومی همچون «محلّه» دارای تاریخچه‌ای طولانی در نظام شهرنشینی ایران و جهان است و ریشه در زندگی جمعی مردم و ارتباطات اجتماعی دارد (نقه‌الاسلامی و امین‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۴). محلات در شهر به عنوان کوچک‌ترین واحدهای مدنی محسوب شده که شامل تمامی ویژگی‌های شهر هستند (کاشانی جو و فتح‌العلومی، ۱۳۹۴: ۲). مقیاس‌هایی نظیر محلّه، به عنوان مهم‌ترین مقیاس سکونت در شهر، همواره بخش مهمی از دغدغه‌های فکری و حرفه‌ای اندیشمندان و مدیران حوزه شهری را به خود اختصاص داده است. (موقر و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۶). نکته‌ای که باید توجه کرد آن است که، با رواج مفهوم شهرسازی اسلامی، مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری می‌بایست در جست‌وجوی تعیین شاخص‌های طراحی محلّه‌های اسلامی در شهرها باشند.

در ساخت مرفولوژیک سکونتگاه‌های شهری کشورهای مختلف، عامل دین، فرهنگ و ایدئولوژی نظام‌های حاکم نقش مهمی بر عهده دارند (رحیمی، ۱۳۸۶: ۹۱). چنانکه فضاهای جغرافیایی کشورهای غربی، سوسیالیستی و اسلامی با همدیگر تفاوت دارد. بر این اساس در کشورهای اسلامی همچون ایران، ساخت فضاهای جغرافیایی بایستی تحت تأثیر ایدئولوژی اسلامی به صورت قوانین متخذ از قرآن، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع صورت گیرد. بنابراین جست‌وجو و پژوهش در فلسفه شهر اسلامی و اجزاء این شهر از ضرورت‌های امور جامعه است.

طراحی محیط مسکونی، تنها یک مسئولیت اجتماعی نیست، بلکه فرایندی اجتماعی است (نوذری، ۱۳۸۳: ۴۷). محلّه‌ها و واحدهای همسایگی، به عنوان محیطی که بیشترین وقت افراد در آنها سپری می‌شود، پلی بین جنبه اجتماعی و زیستی زندگی آنها

بوده و تأثیر بسیار عمیقی بر سلامت جسمانی و روانی افراد دارند. بسیاری از محلّه‌های شهری معاصر با ویژگی‌های جسمی و روانی ساکنان خود سازگاری کافی ندارند. محدودیت سرانه فضاهای سبز و باز و دیگر فضاهای عمومی، محدودیت کمی و کیفی خانه‌های مسکونی، کیفیت پایین محیط شهری، آلودگی هوا و مدیریت نامناسب، ضایعات شهری، آلودگی صوتی و دیگر مشکلات محیطی عوامل تهدید سلامت انسان شهری امروزی را تشکیل می‌دهند (شیعیه و دیگران، ۱۳۹۲: ۲). در شهرهای سنتی ایران، تقسیم محلّه‌ها بر اساس تفاوت‌هایی در زمینه قومی، مذهبی، حرفه‌ای و شغلی بود. وحدت درونی محلّه‌ها کمتر به وحدت در سطح شهر می‌انجامید و اغلب در هنگام دفاع از شهر، نوعی وحدت بین محلّه‌های شهر به وجود می‌آمد (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۱: ۴). در شهر سنتی، هر محلّه دارای مرکزی بوده که بنا بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنان شکل می‌گرفت. مراکز محلّه علاوه بر تأکید بر عدالت و برابری در دستیابی به خدمات، سبب ایجاد حس تعلق به مکان و پایداری اجتماعی می‌شدند.

امروزه نبود الگویی متناسب با بستر اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی کشور و تکیه بر الگوهای وارداتی، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را با مشکل روبه‌رو کرده و این موضوع یکی از عواملی است که میزان تحقق اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها را به حداقل رسانده است (کلانتری خلیل‌آباد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸). در کشور ایران بر خلاف سنت شهرسازی ایرانی-اسلامی، عناصر جدید الگو گرفته شده از مغرب زمین همچون خیابان‌ها، بزرگراه‌های سواره، آپارتمان‌های مسکونی، برج‌های تجاری و اداری و ... مورد توجه مسئولان و مدیران شهرهای امروزی قرار گرفته و هر روز گسترده‌تر از قبل باعث تخریب بافت محلات موجود گردیده‌اند؛ روندی که سبب گسست روابط اجتماعی و ایجاد بی‌هویتی در ساکنان شهرها گردیده و ادامه آن تبعات مخاطره‌آمیز مادی و معنوی فراوانی به همراه خواهد داشت (مروتی و دارابی، ۱۳۹۳: ۱۵۴). این روند اهمیت و ضرورت رویکرد دوباره به متون اصیل اسلامی و واکاوی و احیای اندیشه‌های ناب اسلام را ضروری می‌سازد. در این چارچوب، این پژوهش ویژگی‌های طراحی شده در محلات را با کمک شاخص‌های مستخرج از اصول دین مبین اسلام مورد ارزیابی قرار می‌دهد. برای رسیدن به این هدف دو محلّه در کلانشهر اصفهان برای مطالعه انتخاب شد. در این چارچوب ابتدا شاخص‌های طراحی محلّه‌های مسکونی بر اساس اصول پنجگانه دین اسلام، استخراج گردید. برای این شاخص‌سازی، از مبانی نظری مکتب اصفهان در شهرسازی، تحلیل پژوهش‌های پیشین و همچنین تحلیل جداگانه هر کدام از اصول استفاده شد. در نهایت با استفاده از تکنیک پرسشنامه و تحلیل‌های آماری (آزمون تی دو نمونه‌ای) ویژگی‌های دو محلّه مورد مطالعه بر اساس شاخص‌های مستخرج، مقایسه شد.

سوالات اصلی این پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- بر اساس اصول دین مبین اسلام، با کدام معیارها و شاخص‌ها می‌توان ویژگی‌های طراحی شده در محلات را مورد ارزیابی قرار داد؟
- ۲- وضعیت شهرک‌نگین و محله جویباره از لحاظ معیارها و شاخص‌های طراحی محله‌های اسلامی چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ در این راستا فرضیه‌های اصلی پژوهش به شرح زیر است:
- ۱- به نظر می‌رسد با تحلیل اصول پنجگانه دین اسلام می‌توان معیارها و شاخص‌هایی را تدوین و در طراحی محله‌های شهرهای جدید از این شاخص‌ها استفاده کرد.
- ۲- به نظر می‌رسد در طراحی محله‌های جدید مسکونی در کلانشهرها، به معیارها و شاخص‌های طراحی محله‌های اسلامی توجهی نشده است.

## مبانی نظری

### تعاریف و مفاهیم

شهرهای اسلامی شهرهایی هستند که با توجه به اصول و سنت قرآن توسعه یافته‌اند، در حالی که شهرهای مسلمان، شهرهایی هستند که تنها توسط مسلمانان اشغال شده است (Rozhan et al, 2016: 70). در تعریف دیگر، شهر اسلامی یک الگوی منحصر به فرد از سازمان فضایی است که منعکس کننده یک ایدئولوژی اساسی است. در واقع این شهر تعریف همبستگی انسان و محیط زیست در داخل شهر است (Daher, 2006: 162). دین اسلام توصیه‌هایی در باب حقوق، معیشت، معاملات، جزاء، روابط اجتماعی، اخلاقی و معماری دارد و شهر اسلامی که براساس این ارزش‌ها و توصیه‌ها شکل می‌گیرد، شهر مطلوب الهی است (مروتی و دارابی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). برای ظهور شهر اسلامی، انطباق و همپوشانی سه فضا یا عنصر ضرورت دارد. عنصر اول، فضای فکری است. طبق این عنصر، شهر اسلامی فقط کالبد نیست بلکه انسان اصلی‌ترین نقش را به عهده دارد و فضای فکری یا به عبارتی جهان‌بینی توحیدی و ایمان، مهم‌ترین عامل تعریف کننده شهر اسلامی است. در عنصر دوم که مربوط به فضای عمل و رفتار می‌شود، عمل و رفتار مسلمانان، مطابق دستوراتی که از تعالیم اسلامی استنباط می‌شود، شکل می‌گیرد. از جمله رفتارهای اهل شهر می‌توان به عدالت، امنیت، رعایت حقوق شهروندان، تعاون و مشارکت اشاره کرد. سومین عنصر، فضای عینی یا کالبدی است. بر این اساس کالبد شهرهای اسلامی با احداث مسجد جامع، رنگ و بوی اسلامی به خود می‌گیرد و پس از آن بناهای دیگری مانند مدرسه، پل و کاروانسرا نیز به عنوان عناصر اصلی سازنده شهر احداث می‌شود (لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۱: ۵).

محله در لغت‌نامه دهخدا به «کوی، برزن، یک قسمت از چندین قسمت شهر» معنا شده است. این تعریف برای محله نشان می‌دهد که استقلال محله به گونه‌ای است که قادر است نیازها و

خواسته‌های مردم را تأمین کند. تعاریف موجود از محله، تأکید بر عنصر فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی محله دارد. برخی معتقدند که محله مفهومی انتزاعی داشته، که ریشه در رفتار مردم نسبت به خیابان‌ها و ساختمان‌ها دارد (Sattari et al, 2014: 297).

در ادبیات جهانی واژه محله به دو صورت Neighborhood و Township ترجمه شده است. واژه اول جمعیتی بالغ بر دو هزار نفر تا ده هزار نفر را شامل می‌شود و همچنین به عنوان یک محله مسکونی با هویت خاص تعریف شده است. واژه دوم جمعیتی بالغ بر پانزده هزار نفر تا چهل هزار نفر را شامل شده و به محدوده‌ای گفته می‌شود که علاوه بر وسعت، دارای فرصت‌های شغلی متنوع و همچنین دارای تجهیزات لازم از جمله مدرسه، سوپرمارکت و مراکز تفریحی است (Barton et al, 2003: 24).

در ایران محله کالبد سکونت و اشتغال ۱۲۵۰-۷۰۰ خانوار (در حدود ۶۲۵۰-۳۵۰۰ نفر) با دامنه نوسان شعاع دسترسی پیاده (۴-۵ دقیقه) تعریف می‌شود (رحیمی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۹۶). همچنین یک محله قسمتی از فضای یکپارچه شهر است که مرزهای فیزیکی آن مبتنی بر درک یا نشانه عینی و همچنین همبستگی اجتماعی است. در واقع برای اینکه یک منطقه منحصر از شهر را محله بنامیم، می‌بایست آن منطقه، رضایت ساکنان برای تعاملات چهره به چهره و برطرف کردن نیازهای روزانه از طریق راه رفتن را فراهم آورد. در مطالعه و فهم محله چهار عامل شامل مرزهای سمبولیک و فیزیکی، روابط اجتماعی، امکانات و خدمات محله و نهایتاً هویت و احساس تعلق به محیط زندگی باید در نظر گرفته شود (Mirzabaki, 2015: 241).

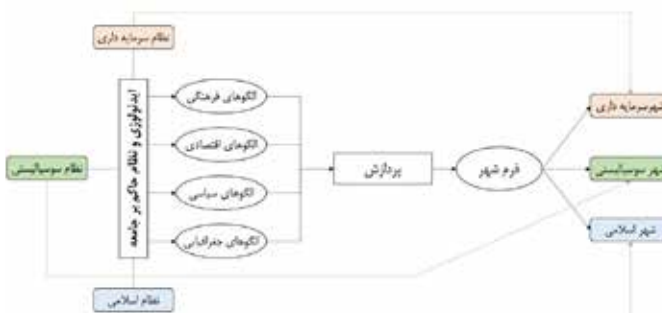
محله در شهرهای اسلامی همان مکان‌های تشکیل شبکه‌های اجتماعی است. چنین ساختاری بیش از آنکه تنها یک فضا باشد، یک تجربه است. این مکان شامل فضایی برای تحقق سکونت افرادی است که در آن محله زندگی می‌کنند و یا برای انجام امری یا دریافت خدماتی به آنجا مراجعه می‌کنند. محله در شهرهای اسلامی معمولاً یک مرکز دارد که این مرکز عناصر عملکردی خاص در مقیاس محله را در خود جای داده و همچنین مسجد و بازارچه عناصر اصلی مرکز محله است (پیربابایی و سجاذاده، ۱۳۹۰: ۱۹). از سوی دیگر روابط محکم همسایگی با هویت ایرانی-اسلامی و بومی در محلات سنتی منجر به تجلی الگوهای مشترک زندگی، وابستگی عمیق محلی و محترم شمردن حریم‌ها شده است.

### مدل مفهومی تحقیق: رابطه شکل شهر و ایدئولوژی حاکم

در پیدایش و شکل‌گیری شهر عوامل متعددی نقش دارند. حسین پاپلی یزدی به نقل از پروفسور هومر می‌گوید: «شهر نتیجه ارتباط میان شش جنبه است: ساختار اقتصادی، ساختار اجتماعی، ساختار کالبدی، موقعیت جغرافیایی، موقعیت قانونی و حیات سیاسی» (کریم‌پور، ۱۳۹۳: ۲). در یک تعریف جامع، می‌وان گفت شکل شهر، تبلور فضایی و شکلی حیات مدنی-اجتماعی شهر و

فعالیت‌های جوامع شهری در مکان و زمان است که در ترکیبی از ذهنیت و عینیت، ماهیتی ترکیبی و فرادوبعدی می‌یابد (دانشپور و روستا، ۱۳۹۱: ۴۹). از سوی دیگر بریملی معتقد است شکل شهر با الگوهای جدید توسعه که بازتاب شرایط اقتصادی، تکنولوژیکی و حمل و نقلی است در یک چارچوب رقابتی در حال تغییر است (Bramley, 2005: 355)؛ بنابراین می‌توان گفت فرم خاص هر شهر به فراخور ویژگی‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شکل می‌گیرد (دانشپور و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۲).

مکان تحت تأثیر فرهنگ و اجزا و عناصر آن همچون اعتقادات دینی، هنری، فناوری، ارزش‌ها، سیاست و اقتصاد ساخته می‌شود. اینکه انسان خانه را از چه مصالحی بسازد، در قسمت‌های گوناگون آن چه نمادهایی به کار ببرد، اعتقادات و ارزش‌های خود را چگونه در کالبد و در فضای درون آن به کار گیرد و از چه هنرهایی برای تزئین فضای داخلی یا بیرونی آن استفاده کند، نمونه‌ای از اثر فرهنگ بر مکان و بستر زندگی است (رضوانی و احمدی، ۱۳۸۸: ۵۳). این آثار برگرفته از فرهنگ جامعه، متناسب با زمان و با تغییر فرهنگ و شرایط اجتماعی، تغییر می‌کنند. به همین دلیل می‌توان انتظار داشت که در دوره‌های گوناگون تاریخی، مکان‌های متفاوتی متناسب با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکم ساخته شود. همان‌گونه که در شکل شماره ۱، مشاهده می‌شود، هر ایدئولوژی حاکم بر جامعه، الگوهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و جغرافیایی خاص خود را دارد. این الگوها در جامعه مورد پردازش و بررسی قرار گرفته و در نتیجه نمود خود را در فرم کالبدی شهر بروز می‌دهند.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق، نحوه تأثیر ایدئولوژی بر فرم کالبدی شهر

به طور کلی، فرم شهر نتیجه فرایندها و الگوهای حاکم بر شهر است؛ لذا برای تحلیل، شناخت و بررسی فرم شهر در هر دوره باید الگوها و ایدئولوژی‌های حاکم بر آن دوره را شناخت. بدین معنا که ایدئولوژی روی فرم شهر تأثیر می‌گذارد. در این زمینه می‌توان به ایدئولوژی سرمایه‌داری، ایدئولوژی سوسیالیستی و بالطبع ایدئولوژی اسلامی اشاره کرد. همان‌طور که رفاه، آزادی و دموکراسی اصول ایدئولوژیک شهر سرمایه‌داری و برابری، عدالت و مالکیت دولتی اصول ایدئولوژیک شهر سوسیالیستی

است، شهر اسلامی نیز باید اصول دین مبین اسلام را داشته باشد. در این زمینه باید گفت، تشکیل شهرهای اسلامی به عنوان یک ایدئولوژی کامل، در ارتباط مستقیم با اسلام است. به عبارتی، شهر اسلامی را باید به عنوان یک ایدئولوژی کامل مورد بررسی قرار داد (Sattari et al, 2014: 297)؛ بنابراین برای شناخت شهر اسلامی ابتدا باید ایدئولوژی و اصول دین مبین اسلام را بررسی و مطالعه کرد.

### معیارها و شاخص‌های طراحی محله‌های اسلامی

برای تدوین معیارها و شاخص‌های محله‌های اسلامی از سه طریق اقدام شده است: ابتدا مکتب اصفهان به عنوان آخرین مکتب موجود در ایران بررسی شد. در گام بعدی معیارها و شاخص‌هایی را که نویسندگان و پژوهشگران در مطالعات پیشین مورد مطالعه قرار داده‌اند، بررسی گردید. در گام سوم، اصول پنج‌گانه دین اسلام و تأثیری که این اصول بر کالبد شهر دارند، به طور جداگانه تحلیل و نهایتاً معیارها و شاخص‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر جمع‌بندی شد.

مکتب اصفهان آخرین مکتب موجود در ایران پس از اسلام است که می‌توان در آن تأثیرات ناشی از اعتقادات مردم و حکومت به اسلام را دریافت (غلامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۴). در نتیجه زوال دولت مغول، جنبش‌های مردمی به وجود آمد، تا اینکه دولت صفوی به قدرت رسید. شهر صفویه، شهر قدرت، شهر نمایش، شهر بازار و شهر دیوان بود. شهر در ایدئولوژی صفویه با حومه روابط درونی دارد (متولی و شیخ اعظمی، ۱۳۹۲: ۵۷). شهر اصفهان عرصه کالبدی این تفکر است. ترکیب‌بندی عناصری که تا این زمان در نظام شهرسازی ایران سابقه نداشته است، باعث گردید تا مفهوم منطقه‌بندی شهری بر اساس نظام محله‌بندی و تمایزات اجتماعی در کل شهر تبلور یابد (میره‌ای و کلاتری خلیل آباد، ۱۳۹۰: ۳۵).

مکتب اصفهان در شهرسازی از ایجاد نقطه گریز دید و توجه تام و تمام به یک نقطه حذر می‌کند. انکشاف فضا، اصل و مفهومی است که از ذره تا کلان فضای این سبک، رخساره می‌نماید و سیالیت و تداوم فضایی از دیگر مفاهیمی هستند که در این مکتب به کار گرفته می‌شوند (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴). مکتب اصفهان به تبع جهان‌بینی حاکم، به وحدت بیان دست می‌یابد. سلسله مراتب فضایی از بزرگ‌ترین تا کوچک‌ترین مقیاس کالبدی به کار گرفته می‌شود و هر مقیاس بر آن است که بازتابی از اصل وحدت بخش جهان باشد. این مکتب در شهرسازی در پی تحقق بخشیدن اصلی است که جهان بر آن قرار دارد، یعنی اصل تعادل و توازن؛ تعادل فضایی و توازن کالبدی (متولی و شیخ اعظمی، ۱۳۹۲: ۵۹). همه این عناصر به منزله یک ترکیب هنری و کلامی برای بیان این اصل به کار گرفته می‌شوند. آهنگ، تکرار، انقطاع، تداوم، یکسانی، بازگشت به آهنگ و باز آمدن به تباین، مقدمه، موخره، پیش درآمد، اوج و فرود در ماهرانه‌ترین ترکیب فضایی و بیان کالبدی چهره می‌نماید (کریمی، ۱۳۹۱: ۸۷).



جدول شماره ۱: اصول و قواعد دستوری مکتب اصفهان

اصول و قواعد	تعریف و تبیین
سلسله مراتب	بر مبنای این اصل هیچ فضای شهری، بنا یا معماری را نمی‌توان فارغ از مراتب بالاتر یا پایین‌تر آن ایجاد کرد.
وحدت و کثرت	فضای شهری روی به کثرت و تنوع دارد. در این کثیر شدن و گوناگونی، در مجموعه همبسته‌اش روی به وحدت و یکپارچگی دارد.
تمرکز	متمرکز شدن فضای شهری، اعتباری خاص بدان می‌بخشد و آن را از دیگر فضاها متمایز می‌کند.
عدم تمرکز	توزیع متوازن فضاها، شهری، علت اصلی یگانگی مفهوم شهر و فضاها می‌شود.
تباین	ناهمگونی عناصر و فضاها، شهری و در عین حال آهنگین بودن آن در ارتباط با دیگر عناصر.
تجمع	جمع شدن عناصر متفاوت در یک مکان خاص، مفهومی ویژه بدان مکان می‌بخشد.
اتصال	هر فضای شهری در پی وصل به دیگر فضاهاست.
تناسب	نسبت ابعاد و اندازه‌ها، نسبت احجام و بناها، نسبت فضاها، انباشته و فضاها می‌تهد.
تداوم	فضای شهری چون نسیمی از میان فضاها می‌گذرد، از این به آن می‌شود و در این شدن، نه این است، نه آن، این «شدن» اصلی را مطرح می‌کند که تداوم نامیده می‌شود.
قلمرو	قلمرو مکانی می‌شود که در آن خودی و بیگانه تعریف می‌شوند، حرمت نگاهداشته می‌شود و عبور از آن جز با اجازه میسر نخواهد بود.
سادگی	خلوص و صراحت فضای شهری، مکان درک سریع آن را فراهم می‌آورد. بی‌پیرایگی فضای شهر، آشنایی با آن را ممکن می‌سازد.
پیچیدگی	کاربرد غیر معمول واژه و فضا به منظور شاخص کردن آن از اصل پیچیدگی تبعیت می‌کند.
ترکیب	ترکیب اعداد می‌تواند فضایی متفاوت از آنچه معمول است را سبب شود.
استقرار	اصل استقرار در مفهوم ساخت کلام با شهر معنا می‌یابد، در این مفهوم، ساخت یعنی مجموعه روابط متقابل اجزای یک کل با یکدیگر به گونه‌ای که هر واحد بیشترین نقش را در برابر دیگر اجزا دارد.
توازن	شهر در موزونی فضاها و روابط فضایی اشکال و فعالیت‌ها تعریف می‌شود.
ایجاز	فضای شهری از اسلوبی تبعیت می‌کند که گسترده‌ترین مفهوم را در ساده‌ترین صورت بیان کند.
زمان	بنا و فضای شهری تعریف خود را در متن شهر می‌یابد؛ معنایی که در بیان مقید به زمان می‌شود، آنچه در زمان دچار دگرگونی می‌شود، صورت است و نه محتوا.

مأخذ: لطیفی و صفری چابک، ۱۳۹۱: ۷

شاخص‌های کالبدی می‌توان به پیوستگی فضایی، وحدت و تنوع فضایی و سلسله مراتب اشاره کرد. (باستانی‌راد، ۱۳۹۱) در رابطه با شاخص‌های اجتماعی نیز می‌توان به مشارکت مردمی، توجه به اصل عفاف در طراحی فضاها، شهر و زندگی مسالمت‌آمیز اشاره داشت (نقره‌کار و دیگران، ۱۳۹۲).

در گام سوم از فرایند تعیین معیارها و شاخص‌های محله‌های اسلامی، اصول دین مبین اسلام و تأثیراتی که این اصول بر کالبد، شکل شهر و محله‌ها می‌توانند داشته باشند، بررسی شد.

اولین اصل در دین اسلام «توحید» است. توحید به معنای یگانگی خداوند متعال است. به تصدیق اکثریت قریب به اتفاق محققان، اصل توحید که صفت متمیزه بنیادین اسلام با سایر ادیان و مکاتب است، منبع الهام مسلمین در کلیه فعالیت‌هایشان از جمله هنرها، معماری و شهرسازی‌شان است (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۰).

اصل توحید در بعد اجتماعی همان مفهوم «مشارکت» است. قرآن صریحاً می‌فرماید: «اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». در این زمینه، اصل توحید در شهر اسلامی، از طریق به وجود آمدن وحدت در جامعه و یا شکل‌گیری امت واحده تحقق می‌یابد. در حقیقت به تبع تأکید اسلام بر جماعت و امت واحده، شهر اسلامی، شهری است که با وحدت جامعه پیوندی ناگسستنی دارد. در این چارچوب، نظریه مدیریت واحد شهری که امروزه در غرب به عنوان نظریه‌ای نو در محافل علمی مطرح شده، در واقع همان مفهوم برگرفته از توحید است که قرن‌ها قبل، اسلام بر آن تأکید داشته است. توحید دارای معانی مختلفی مانند وحدانیت، یگانگی، یکتاپرستی، بیکرنگی، واحد بودن و یک شکل بودن است. در بعد کالبدی، یکی از مهم‌ترین اصول در طراحی شهری، «هماهنگی» است که همان معنای برگرفته از اصل دین یعنی توحید است. از سوی دیگر، وحدت در بعد فیزیکی همان سازگاری و انطباق کاربری‌ها با یکدیگر است. در نتیجه، ناموزونی در کاربری‌های شهری، ناشی از عدم توجه به اصل وحدانیت و یگانگی است. از این رو رعایت نظم و هماهنگی یکی از مهم‌ترین اصول در برنامه‌ریزی و طراحی شهری است که متأسفانه در هیچ‌یک از شهرهای ما رعایت نمی‌شود. از دیگر تجلیات توحید در شهر اسلامی، وحدت شهر با طبیعت است. این وحدت، نه به معنای همسانی، بلکه به این معناست که شهر اسلامی اولاً در شکل-گیری و گسترش خویش از قوانین حاکم بر عالم وجود همچون عدالت، نظم، تعادل، توازن، هماهنگی، سلسله مراتب و ... بهره بگیرد و ثانیاً شهر اسلامی بر ضد طبیعت و مخرب آن و در یک کلام عامل فساد در طبیعت و جهان نبوده و بالعکس عامل و وسیله اصلاح و عمران زمین است.

دومین اصل از اصول پنج‌گانه دین مبین اسلام، عدل است. شاید بتوان گفت عدل بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین اصلی است که در مقیاس جهانی روی آن نظریه پردازی شده است. در این باره

در گام دوم از فرایند تدوین معیارها و شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی، به بررسی مطالعات پیشین پرداخته شد. نتایج این بررسی‌ها در جدول شماره ۲، ارائه شده است. با توجه به این جدول می‌توان گفت عمده معیارها و شاخص‌هایی که پژوهشگران مورد مطالعه قرار داده‌اند، در بخش‌های کالبدی و اجتماعی و تا حدودی در بخش‌های اقتصادی است. در زمینه

جدول شماره ۲: معیارها و شاخص‌های پیشنهادی در مطالعات محققان برای طراحی محله‌های اسلامی

ردیف	معیارها و شاخص‌های مورد مطالعه		مآخذ
	معیار	شاخص	
۱	کالبدی	مسجد/ میدانگاه‌ها در هسته مرکزی محله	باستانی راد، ۱۳۹۱
	اقتصادی	بازار	
۲	کالبدی	پیوستگی فضایی/ وحدت و تنوع فضایی/ سلسله مراتب/ اهمیت دادن به مفهوم محله	لطیفی و چابک، ۱۳۹۱
	اجتماعی	تأکید بر روابط اجتماعی	
۳	اجتماعی	ارزش‌های فرهنگی/ همبستگی اجتماعی/ مدیریت محله‌ای	نقه‌الاسلامی و امین زاده، ۱۳۹۲
	کالبدی	مسجد/ قلمرو/ سلسله مراتب/ هم‌پیوندی	
۴	اجتماعی	ارتقای مشارکت مردمی/ توجه به شعائر در فضاهای شهر/ نهی ضرر به دیگران در ساخت و ساز/ توجه به اصل عفاف در طراحی فضاهای شهر/ زندگی مسالمت‌آمیز	نقره کار و دیگران، ۱۳۹۲
۵	اجتماعی	بهداشت/ محرمیت/ عدالت اجتماعی/ مشارکت مردمی/ امنیت/ تعاملات مردمی/ آرامش و آسایش	کلاتتری خلیل‌آباد و دیگران، ۱۳۹۳
۶	کالبدی	تفکیک حریم‌های فضایی/ خوانایی/ بوم‌گرایی و سازگاری با طبیعت	موقر و دیگران، ۱۳۹۴
	اجتماعی	وحدت در کل/ همبستگی اجتماعی/ غنای حسی/ کارایی/ پرهیز از بیهودگی و اسراف/ ایمنی و امنیت/ مردم‌واری و تناسب انسانی فضا/ آسایش و رفاه/ هویت/ خودکفایی/ آسایش و رفاه	
۷	اجتماعی	اصل هم‌پیوندی/ اصل تجمع/ اصل تمرکز و مرکزیت/ اصل استقرار/ پویایی و ایستایی	غلامی و دیگران، ۱۳۹۴
	کالبدی	اصل محصوریت/ اصل تباين/ اصل مقیاس انسانی	
۸	اجتماعی	مسیر ویژه عابران پیاده/ حریم خصوصی/ طراحی و الگوی گردش	Safae et al, 2016
	کالبدی	مسجد/ حق همسایگی/ فضای باز برای فعالیت و رویداد	
۹	اجتماعی	مرکزیت/ انسجام اجتماعی/ مدیریت محله/ استقلال محله	Khazaei & Babajani, 2016
	کالبدی	قلمرو/ سلسله مراتب/ پیوستگی	
۱۰	اجتماعی	ایده خلیفه و حاکم/ مشارکت همگانی/ آموزش برای نسل جوان/ ایده برادری و وحدت/ مراقبت از خود و جامعه	Rozhan et al, 2016
	کالبدی	کیفیت محیط زندگی/ مسجد به عنوان مرکز فعالیت	

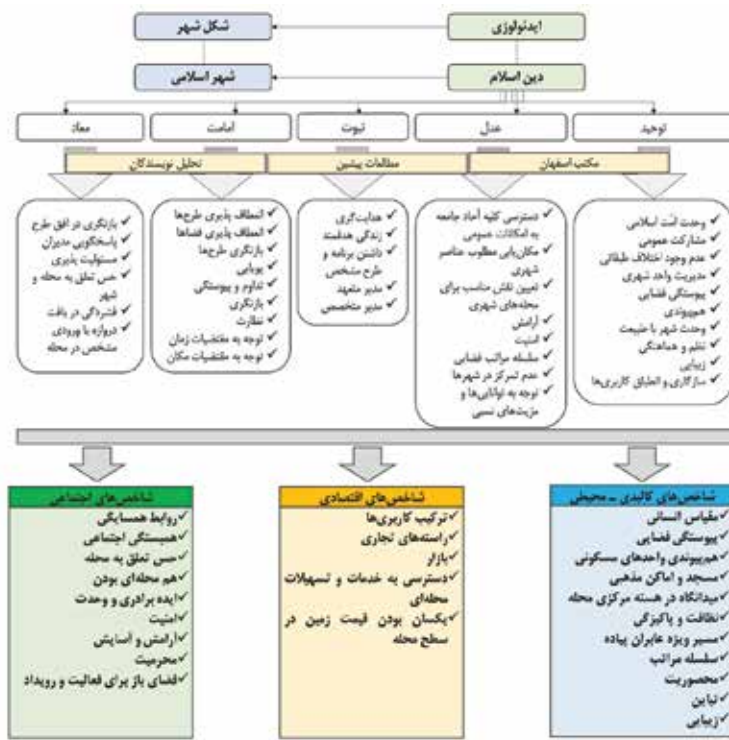
سکونتگاهی و همچنین عدم وجود نقش واحد در شهرها، همگی ناشی از عدم توجه به اصل عدالت است. سومین اصل دین مبین اسلام، نبوت است. فلسفه و هدف نبوت، هدایت‌گری است. در این زمینه مقوله نبوت را می‌توان در زمینه رسول‌ظاهری و رسول باطنی مورد بررسی قرار داد. رسول‌ظاهری همان دین اسلام است که بر مبنای دستورات قرآن و سیره نبوی حرکت می‌کند و رسول باطنی، مقوله عقل بشری است که اصل نبوت با بهره‌گیری از این دو مقوله به تدوین قوانین و احکام بنیادی می‌پردازد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۰). در این راستا، نبی یا رسول برای هدایت جامعه نیاز به قانون و برنامه دارد. این قانون همان دین اسلام است. با توجه به اصل نبوت، اگر می‌گوییم شهر اسلامی، یعنی شهری که دارای «برنامه‌ریزی و هدایت‌گری» به سمت «اهداف مشخص و روشن» است. بر اساس اصل نبوت برای هدایت‌گری نیاز به برنامه، هدف مشخص و مدیریت سالم داریم. مدیر سالم باید متعهد (التزام عملی به اسلام و احکام اسلامی) و متخصص (مسلط بر شهر و اصول برنامه‌ریزی شهری) باشد. در صورتی که یکی از این دو ویژگی وجود نداشته باشد، هدایت جامعه با مشکل مواجه می‌شود. چهارمین اصل از دین اسلام، امامت است. امامت پیرو نبوت و

می‌توان به کتاب عدالت اجتماعی و شهر نوشته دیوید هاروی اشاره کرد. رعایت عدل در ایجاد یک مجموعه زیستی عبارت است از انتخاب مکان و واگذاری نقشی خاص به هر عضو مجموعه به گونه‌ای که بهتر از آن ممکن نباشد. در این صورت است که اهمیت این اصل در طراحی و برنامه‌ریزی شهری مشخص می‌شود (نقی‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۵). در حقیقت عدل یعنی هر چیزی را سر جای خود قرار دادن یا به عبارت دیگر «وضع شئی فی موضعها». این اصل در واقع به همان مفهوم مکان‌یابی اشاره دارد. بنابراین در شهر اسلامی عدالت از بسیاری جهات همچون تنظیم ارتباطات اجتماعی و نظارت بر رعایت آن، دسترسی مناسب کلیه آحاد جامعه به امکانات عمومی، از طریق مکان‌یابی مطلوب عناصر شهری و مجاورت متناسب و متجانس آنها، تناسب مطلوب بین ابعاد فضا و ... تحقق می‌یابد. رعایت این شاخص‌ها در طراحی محله‌های شهری باعث آرامش و افزایش امنیت در شهرها می‌شود. به عبارتی آرامش به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی شهری از نتایج توجه به اصل عدالت است. تمرکزگرایی به عنوان یکی از اصول مطرح شده در شهرها مخالف عدالت و عدل است. تمرکزگرایی که در بخش‌های مرکزی شهرها وجود دارد، تمرکزگرایی که در برخی از شهرها در سطح کشور وجود دارد و عدم رعایت سلسله‌مراتب

دنباله‌رو آن است. بنابراین روند مدیریت نمی‌تواند متوقف شود. یعنی مدیریت یک امر مستمر و مداوم است. بر این اساس اولین شاخص و تجلی این اصل در شهر اسلامی را می‌توان در «تداوم مدیریت شهری» دانست. موضوعی که در بسیاری از شهرها اتفاق نمی‌افتد. به عبارتی عدم ثبات مدیریت و تعویض نابهنگام مدیران، زبان‌های بسیاری سنگین به نظام شهری وارد می‌کند. از تجلیات دیگر اصل امامت در برنامه‌ریزی و طراحی شهری، پیوستگی طرح‌های شهری است. اگر این مسئله رعایت شود، نتیجه‌ای پیوسته و مرتبط حاصل می‌شود. پیوستگی و تداوم یک طرح، نیازمند استراتژی‌های از پیش تعیین شده است. عدم پیوستگی طرح‌ها، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به پیکره نظام شهری وارد می‌کند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱۶). باید اشاره شود که اصل نبوت و امامت مفاهیم مشابهی دارند؛ اما آنچه که امامت را از نبوت جدا می‌کند آن است که امام آوزنده شریعت نیست، بلکه

بر طبق شریعتی عمل می‌کند که قوانین جامعه بر اساس آن شریعت تنظیم و مدون شده است؛ بنابراین نبی، قوانین ثابتی را در شریعت خود وضع و آنها را از طریق وحی الهی دریافت می‌کند، اما امام در چارچوب قوانین ثابت با توجه به مقتضیات زمان و مکان درصدد صدور احکام برمی‌آید. بر این اساس اصل بازنگری، انعطاف‌پذیری، و پویایی در طرح‌ها و برنامه‌های شهری اثبات می‌شود.

نهایتاً پنجمین اصل دین اسلام، معاد است. قریب به یک سوم آیات قرآن در رابطه با معاد متذکر گردیده است. خداوند متعال با بیان این آیات، در واقع وجود عالم آخرت را به بشر گوشزد می‌کند و با الفاظ صریح، محکم و بیدار کننده در مقابل منکران و کفار وعده عذاب می‌دهد. تأکید بر معاد از طرف خدای متعال، این موضوع را می‌رساند که این اصل نیز همچون توحید از نوامیس انکارناپذیر عالم حقیقت است و ایمان و اعتقاد به معاد، آثار ارزنده‌ای در زندگی فردی و اجتماعی داشته است. تفکر معادی در شهر باعث ایجاد امنیت روحی، روانی و جسمانی در حوزه‌های خصوصی و عمومی جامعه مسلمانان می‌گردد که ناشی از یاد مرگ در تمامی امور است که البته این عامل باعث تأثیرات کالبدی، همچون فشردگی در بافت، استفاده از قلعه و دروازه و موارد دیگر در شهر گردیده است (غلامی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵ و ۴۶). از سوی دیگر، معاد به معنی میعادگاه بوده که همان مفهوم یوم‌الحساب یا یوم‌الجزاست. از این رو باید به نتیجه کار هر برنامه‌ای که در شهر تدوین و اجرا می‌شود، توجه کرد

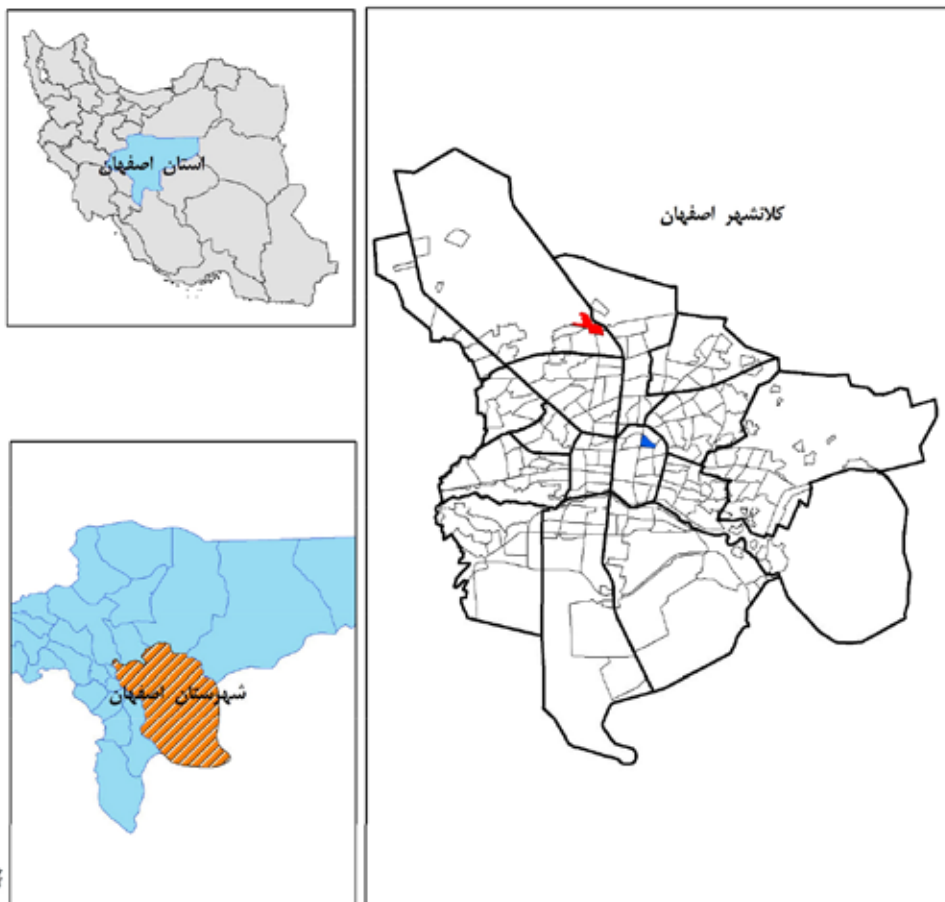


شکل شماره ۲: فرایند و مدل تبدیل اصول دین اسلام به شاخص‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری

(حاسبوا قبل ان تحاسبوا). معاد در مدیریت و برنامه‌ریزی شهر به این معنی است که مدیران شهری بعد از گذشت یک دوره زمانی مشخص گزارش عملکرد خود را ارائه نمایند. به عبارت دیگر در شهر و محله‌های اسلامی باید همه پاسخگوی اعمال و رفتار خود باشند (کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت). بنابراین می‌توان گفت اصل معاد در بعد اجتماعی محله‌های شهری در شاخص‌هایی همچون «مسئولیت‌پذیری ساکنان محله، حس تعلق به محله، هدفمند زیستن و...» انعکاس می‌یابد. نهایتاً بر اساس تحلیل‌ها و بررسی‌های انجام شده، در شکل شماره ۲، فرایند و مدل تبدیل اصول پنج‌گانه دین اسلام به شاخص‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهری نشان داده شده است. بنابراین در این پژوهش بر اساس مدل پیشنهادی و شاخص‌های مستخرج، وضعیت دو محله مورد مطالعه (محله قدیمی جویباره و محله جدید شهرک نگین) از لحاظ انطباق با شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی مقایسه شد.

### روش تحقیق

هدف اصلی از انجام این پژوهش سنجش ویژگی‌های طراحی شده در محله‌های مسکونی بر اساس شاخص‌های مستخرج از اصول دین اسلام است. برای رسیدن به این هدف دو محله (محله قدیمی جویباره و محله جدید شهرک نگین) در شهر اصفهان انتخاب شد. در شکل شماره ۳، موقعیت محله‌های مورد مطالعه در شهر اصفهان نشان داده شده است.



شکل شماره ۳: موقعیت محلات مورد مطالعه در شهر اصفهان

### بحث و یافته‌ها

این بخش از پژوهش به بررسی و بحث در مورد یافته‌های پژوهش اختصاص دارد. در واقع در این بخش، نتایج بررسی‌های انجام شده در محله‌های جویباره و شهرک نگین تحلیل شده است. برای مقایسه دو محله مذکور بر اساس شاخص‌های معرفی شده در جدول شماره ۳، از آزمون تی دو نمونه‌ای استفاده شد.

#### آزمون تی دو نمونه‌ای

در راستای مقایسه وضعیت محله جویباره و شهر نگین از حیث شاخص‌های شهر اسلامی، در بخش اول از پژوهش، پرسشنامه‌ای بر اساس شاخص‌ها تدوین شد. در این پرسشنامه از پاسخ دهندگان خواسته شد تا به وضعیت هر یک از شاخص‌ها در محله خویش از یک تا ده نمره بدهند. لازم به ذکر است با توجه به فرمول کوکران، حداکثر اندازه نمونه در هر جامعه‌ای برابر با ۳۸۴ خواهد بود؛ بنابراین تعداد ۴۰۰ پرسشنامه در هر یک از محلات توزیع شد. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها در محله جویباره تعداد ۳۴۶ پرسشنامه کامل و بدون خطا و در شهرک نگین تعداد ۳۲۹ پرسشنامه کامل و بدون خطا جمع‌آوری شد. سپس این پرسشنامه‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شد. برای بررسی پایایی و اعتبار پرسشنامه‌ها، از ضریب آلفا استفاده شد. نتایج این بررسی نشان داد که ضریب آلفا برای اطلاعات گردآوری شده در محله جویباره برابر با ۰/۷۴ و در شهرک

در مرحله بعد شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی بر اساس اصول شهرسازی ایرانی - اسلامی با استفاده از مطالعات انجام شده در بخش نظری پژوهش جمع‌بندی شد (جدول شماره ۳). در نهایت با بهره‌گیری از تکنیک پرسشنامه و مصاحبه با ساکنان محلات و همچنین مطالعات میدانی، وضعیت دو محله مذکور از حیث شاخص‌های پیشنهادی با استفاده از آزمون تی دو نمونه‌ای مقایسه شد.

جدول شماره ۳: شاخص‌های مورد بررسی در قلمرو مکانی پژوهش

شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های کالبدی - محیطی
۱. روابط همسایگی	۱. ترکیب کاربری‌ها	۱. مقیاس انسانی
۲. همبستگی اجتماعی	۲. راسته‌های تجاری	۲. پیوستگی فضایی
۳. حس تعلق به محله	۳. بازار	۳. هم‌پیوندی واحدهای مسکونی
۴. هم‌محله‌ای بودن	۴. دسترسی به خدمات و تسهیلات محله‌ای	۴. مسجد و اماکن مذهبی
۵. ایده برادری و وحدت	۵. یکسان بودن قیمت زمین در سطح محله	۵. میدانگاه در هسته مرکزی محله
۶. امنیت		۶. نظافت و پاکیزگی
۷. آرامش و آسایش		۷. مسیر ویژه عابران پیاده
۸. محریت		۸. سلسله مراتب
۹. فضای باز برای فعالیت و رویداد		۹. محصوریت
		۱۰. تباین
		۱۱. زیبایی



جدول شماره ۴: نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای برای شاخص‌های کالبدی - محیطی

شاخص	میانگین گروه اول محله جویباره	میانگین گروه دوم شهرک نگین	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین
مقیاس انسانی	۸/۸۹	۵/۵۶	۰/۰۰۰	۸/۲۶	۳/۰۳۹
پیوستگی فضایی	۸/۹۱	۴/۶۲	۰/۰۰۰	۶/۴۵	۴/۲۱
هم پیوندی واحدهای مسکونی	۹/۰۶	۶/۱۳	۰/۰۰۰	۷/۸۹۵	۲/۲۱۱
مسجد و اماکن مذهبی	۹/۵	۷/۳۸	۰/۰۰۰	۸/۱۳	۲/۱۴۱
میدانگاه در هسته مرکزی محل	۸/۷۴	۵/۴۳	۰/۰۰۲	۶/۲۹	۳/۲۶۱
نظافت و پاکیزگی	۶/۴۸	۶/۳۹	۰/۵۴	+۶/۵۶	-۶/۰۴
مسیر ویژه عابران پیاده	۸/۳۴	۷/۶۸	۰/۰۳۴	۷/۷۶۵	۲/۱۱۲
سلسله مراتب	۹/۵۱	۴/۵۱	۰/۰۱۴	۶/۶۶	۳/۲۱۳
محصولیت	۷/۴۱	۳/۳۹	۰/۰۰۰	۷/۸۹	۴/۶۵
تباین	۷/۰۹	۴/۳۱	۰/۰۳۱	۷/۳۴	۳/۳۵
زیبایی	۸/۵۳	۶/۴۹	۰/۰۰۰	۸/۲۹	۴/۱۳

نگین برابر با ۰/۷۹ است که نشان از پایایی بالای پرسشنامه‌ها دارد. برای تحلیل اطلاعات پرسشنامه‌ها و مقایسه میانگین شاخص‌ها در دو محله مورد مطالعه، از آزمون تی دو نمونه‌ای استفاده شد. آزمون تی دو نمونه‌ای، میانگین دو گروه از پاسخگويان را با یکدیگر مقایسه می‌کند. به عبارتی دیگر در این آزمون، میانگین‌های به دست آمده از نمونه‌های تصادفی مورد قضاوت قرار می‌گیرند. بدین معنی که از دو جامعه مختلف، نمونه‌هایی اعم از اینکه تعداد نمونه مساوی یا غیر مساوی باشند، به طور تصادفی انتخاب و میانگین‌های آن دو جامعه با هم مقایسه می‌شوند. در این آزمون فرض صفر مبنی بر این است که تفاوت معناداری بین میانگین دو نمونه وجود ندارد. در حالی که فرض یک بر تفاوت معنادار در میانگین دو نمونه دلالت دارد.

$$H_0: \mu_1 = \mu_2 \quad H_1: \mu_1 \neq \mu_2$$

جدول شماره ۴، نتایج مقایسه میانگین شاخص‌های کالبدی را در دو محله مورد مطالعه نشان می‌دهد. با توجه به اطلاعات مندرج در این جدول، می‌توان دریافت که بر اساس مقدار sig که کمتر از ۰/۰۵ است، برای تمام شاخص‌ها به غیر از شاخص نظافت و پاکیزگی فرض  $H_0$  رد و فرض  $H_1$  تایید می‌شود. به این معنا که در ده شاخص کالبدی تفاوت معنادار بین میانگین‌های دو محله جویباره و شهرک نگین وجود دارد؛ اما در رابطه با شاخص نظافت و پاکیزگی تفاوت معناداری بین میانگین دو نمونه وجود ندارد. با توجه به حد بالا و پایین که در جدول مشاهده می‌شود، می‌توان تشخیص داد که کدام یک از محل‌ها دارای میانگین بالاتری است. در این مورد باید بیان کرد که:

- ۱- اگر حد بالا و پایین هر دو مثبت باشند، در این صورت میانگین گروه اول از میانگین گروه دوم بزرگ‌تر است.
  - ۲- اگر حد بالا و پایین هر دو منفی باشند، در این صورت میانگین گروه دوم از میانگین گروه اول بزرگ‌تر است.
  - ۳- اگر حد بالا و پایین یکی مثبت و یکی منفی باشد، در این صورت میانگین‌های دو گروه با هم تفاوت معناداری ندارد.
- در این پژوهش محلله جویباره به عنوان گروه اول و شهرک نگین به عنوان گروه دوم در نظر گرفته شده است. براساس مندرجات جدول شماره ۴، در ده شاخص کالبدی، حد بالا و پایین مثبت است که نشان می‌دهد میانگین شاخص‌ها در محلله جویباره نسبت به شهرک نگین بالاتر است و تأیید می‌شود که این اختلاف از نظر آماری معنادار است. در مورد شاخص نظافت و پاکیزگی با توجه به آنکه حد بالا مثبت و حد پایین منفی است، می‌توان گفت میانگین این شاخص در دو محلله مورد مطالعه تفاوت معناداری ندارد.

مطابق با جدول شماره پنج که نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای را در رابطه با شاخص‌های اجتماعی نشان می‌دهد، می‌توان گفت از مجموع نه شاخص، تنها در یک شاخص یعنی شاخص «امنیت»، سطح معنی داری بالاتر از ۰/۰۵ است. بنابراین با توجه به شاخص مذکور فرض صفر تأیید شده و باید گفت دو محلله جویباره و شهرک نگین از لحاظ شاخص مذکور تفاوت معنادار ندارند. در رابطه با هشت شاخص دیگر سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است که فرض صفر رد شده و فرض یک تأیید می‌شود و می‌توان گفت دو محلله مورد مطالعه با توجه به این شاخص‌ها تفاوت معناداری دارند. بر اساس حدود بالا و پایین شاخص‌ها نیز باید گفت که میانگین شاخص «فضای باز» برای فعالیت و رویداد در شهرک نگین بالاتر از محلله جویباره است. در مورد هفت شاخص دیگر میانگین شاخص‌ها در محلله جویباره نسبت به شهرک نگین همواره بالاتر است.

برای تحلیل بعد اقتصادی، پنج شاخص انتخاب شد. جدول شماره ۶، نتایج بررسی‌ها را در این زمینه نشان می‌دهد. در رابطه با سه شاخص اول، سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ بوده و همچنین حد بالا و پایین نیز مثبت است. این به معنای آن است که میانگین این شاخص‌ها در دو محلله متفاوت بوده و همچنین میانگین گروه اول یعنی محلله جویباره بالاتر از میانگین شهرک نگین است. در رابطه با شاخص «دسترسی به تسهیلات و خدمات محلله‌ای»، سطح معنی داری بیشتر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد میانگین دو گروه تفاوت معناداری ندارند. در رابطه با شاخص «یکسان بودن قیمت زمین» در سطح محلله، سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ است. این

به معنای آن است که میانگین دو گروه تفاوت معناداری دارند. همچنین حدود بالا و پایین در رابطه با شاخص مذکور منفی است که نشان می‌دهد میانگین گروه دوم بیشتر از گروه اول است.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای برای شاخص‌های اجتماعی

شاخص	میانگین گروه اول (محلّه جویباره)	میانگین گروه دوم (شهرک نگین)	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین
روابط همسایگی	۷/۹۸	۲/۳۲	۰/۰۰۰	۷/۶۱	۲/۱۹
همبستگی اجتماعی	۸/۷۶	۳/۱۲	۰/۰۰۰	۸/۹۰	۳/۲۱
احساس تعلق به محلّه	۸/۵۴	۴/۱۱	۰/۰۱۱	۸/۳۷۶	۴/۰۱
هم محلّه‌ای بودن	۹/۱۴	۲/۴۶	۰/۰۰۰	۹/۷۹	۳/۲۳۱
ایده برادری و وحدت	۸/۳۶	۵/۱۲	۰/۰۰۰	۷/۳۲	۵/۴۱
امنیت	۷/۳۸	۷/۱۰	۰/۷۲۹	+۷/۱۶	-۷/۱۳
آرامش و آسایش	۷/۲۴	۵/۳۹	۰/۰۱۴	۷/۱۱	۳/۳۳
محرمت	۹/۲۱	۵/۱۵	۰/۰۰۰	۹/۰۱	۵/۵۴
فضای باز برای فعالیت و رویداد	۴/۰۱	۸/۱۲	۰/۰۰۰	-۸/۱۹	-۳/۷۶
تباین	۷/۰۹	۴/۳۱	۰/۰۳۱	۷/۳۴	۳/۳۵
زیبایی	۸/۵۳	۶/۴۹	۰/۰۰۰	۸/۲۹	۴/۱۳

جدول شماره ۶: نتایج آزمون تی دو نمونه‌ای برای شاخص‌های اقتصادی

شاخص	میانگین گروه اول (محلّه جویباره)	میانگین گروه دوم (شهرک نگین)	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین
ترکیب کاربری‌ها	۷/۳۲	۴/۳۶	۰/۰۰۰	۷/۰۱	۴/۱۱
راسته‌های تجاری	۶/۶۸	۳/۷۴	۰/۰۰۳	۶/۲۱	۳/۰۴
بازار	۸/۱۲	۵/۱۳	۰/۰۲۸	۸/۱۳	۵/۱۹
دسترسی به خدمات و تسهیلات محلّه‌ای	۷/۵۹	۷/۷۶	۰/۰۸۹	+۷/۴۳	-۶/۱۸
یکسان بودن قیمت زمین در سطح محلّه	۴/۰۳	۷/۶۱	۰/۰۰۰	-۷/۳۲	-۴/۱۷

### نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف سنجش ویژگی‌های طراحی شده در محلّه‌های مسکونی بر اساس شاخص‌های مستخرج از اصول اسلامی انجام شد. در بخش اول مبانی نظری و ادبیات تحقیق بررسی شد. در فرایند انجام تحقیق با بررسی مبانی نظری مکتب اصفهان در شهرسازی، تحلیل پژوهش‌های پیشین و همچنین تحلیل جداگانه هر یک از اصول پنج گانه دین مبین اسلام، شاخص‌های طراحی محلّه‌های مسکونی بر اساس اصول دین

مبین اسلام استخراج شد. در ادامه با استفاده از آزمون آماری تی دو نمونه‌ای وضعیت دو محلّه جویباره به عنوان یک محلّه قدیمی و شهرک نگین به عنوان یک محلّه جدید بر اساس شاخص‌های پیشنهادی، مقایسه شد. نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که از مجموع ۲۵ شاخص مورد مطالعه تنها در دو شاخص «فضای باز برای فعالیت و رویداد» و «بکسان بودن قیمت زمین در سطح محلّه» میانگین شاخص‌ها در شهرک نگین بالاتر از محلّه جویباره است. در سه شاخص «نظافت و پاکیزگی»، «امنیت» و «دسترسی به خدمات و تسهیلات محلّه‌ای» وضعیت دو محلّه مورد مطالعه یکسان است. در بقیه شاخص‌ها مانند «مقیاس انسانی»، «پیوستگی فضایی»، «سلسله مراتب»، «زیبایی»، «روابط همسایگی»، «همبستگی اجتماعی»، «احساس تعلق به محلّه»، «آرامش و آسایش»، «ترکیب کاربری‌ها» و «راسته‌های تجاری» میانگین محلّه جویباره بیشتر از شهرک نگین است. نتایج به طور کلی نشان داد که بیشترین اختلاف بین دو محلّه مورد مطالعه به ترتیب در بخش‌های اجتماعی و کالبدی است. نکته حائز اهمیت آنکه در بخش اقتصادی، دو محلّه مورد مطالعه اختلاف بسیار ناچیزی دارند. این موضوع نشان می‌دهد که در برنامه‌ریزی و طراحی محلات جدید، بیشترین توجه به شاخص‌های اقتصادی شده و شاخص‌های کالبدی و اجتماعی محلّه‌های اسلامی، مورد غفلت واقع شده‌اند.

در پایان پژوهش باید اذعان کنیم که فضای شهری از کوچک‌ترین مقیاس یعنی محلّه تا خود شهر، یک محصول اجتماعی است که به یک بستر فیزیکی برای فعالیت‌های انسانی تبدیل شده است. در واقع فضاها و محلّه‌های شهری، ظاهراً فیزیکی هستند، اما براساس اصول اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه شکل گرفته‌اند. به بیان دیگر هر محیط، هر فضا و هر پدیده‌ای، نگرشی از ایدئولوژی حاکم بر جامعه است. در این راستا برای حل مشکلات شهرها باید ایدئولوژی و اصول حاکم بر شهرها را شناخت. اگر گفته می‌شود محلّه و یا شهر اسلامی، می‌بایست در این محلّه و شهر، اصول دین مبین اسلام تجلی و انعکاس یابد. اگر فرایندها، اصول، فعالیت‌ها و نگرش‌ها در یک شهر اسلامی باشد، می‌توان به شهر اسلامی نیز دست پیدا کرد. بنابراین برای مطالعه شهر اسلامی باید اصول دین اسلام را شناخت و در گام بعدی این اصول را با اصول برنامه‌ریزی و طراحی شهری منطبق کرد. در این پژوهش سعی شد تا گامی هر چند کوچک در این راستا برداشته شود. در قالب یک مقاله شاید نتوان تمامی شاخص‌ها را مورد مطالعه قرار داد، بنابراین ارزیابی ویژگی‌های محلّه‌های شهری با شاخص‌های اسلامی نیازمند مطالعات گسترده‌تری است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در قالب طرح‌ها و مطالعات پژوهشی گسترده، اصول پنج گانه دین اسلام و همچنین تطبیق این اصول با اهداف برنامه‌ریزی و طراحی

۸. رحیمی نژاد، فرزاد؛ محمد تیموریان و محمد پیرمحمدی (۱۳۹۵)، «بررسی نقش عناصر تجمع‌پذیر در تعاملات اجتماعی محله‌های سنتی»، **مطالعات هنر و معماری**، سال دوم، شماره ۴ و ۵ (پیاپی: ۱۱ و ۱۲)، جلد ۴، ۲۰۱-۱۹۵، تیر و مرداد.
۹. رضوانی، محمدرضا و علی احمدی (۱۳۸۸)، «مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی»، **نامه پژوهش فرهنگی**، سال ۱۰، شماره ششم، ۶۸-۴۵. تابستان ۱۳۸۸.
۱۰. سقائی، محسن (۱۳۸۶)، «ایدئولوژی اسلام و تأثیر آن بر ساخت شهرها»، **فصلنامه مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۲۰، ۲۱-۱۲، زمستان ۱۳۸۶.
۱۱. شیعه، اسماعیل؛ زهره السادات سعیده زربادی و ملیسا یزدان پناهی (۱۳۹۲)، «بررسی و تبیین مفهوم محله سالم در محلات سنتی ایران؛ مطالعه موردی: محله امام‌زاده یحیی تهران»، **مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای**، سال ۵، شماره ۱۷، ۲۰-۱، تابستان ۱۳۹۲.
۱۲. غلامی، سعید؛ ابوالفضل مشکینی و اسماعیل دویران (۱۳۹۴)، «طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر ایرانی-اسلامی؛ مطالعه موردی: محله شهدای شهر زنجان»، **هویت شهر**، شماره ۲۲، سال ۹، ۵۲-۴۱، تابستان ۱۳۹۴.
۱۳. کاشانی جو، خشایار و ایل‌ناز فتح‌العلمی (۱۳۹۴)، «بازشناسی نقش محلات در شهرهای ایرانی - اسلامی»، **همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی**، دانشگاه پیام نور استان گیلان، مرکز رشت، بهار ۱۳۹۴.
۱۴. کریم‌پور، لیلیا (۱۳۹۳)، «مفاهیم و فرم‌ها در طراحی شهرهای قدیم»، **نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی**، ۹-۱، آبان ۱۳۹۳، مشهد.
۱۵. کریمی، باقر (۱۳۹۱)، «تأثیر معماری قدیم بوشهر بر فرهنگ و معماری کشورهای حاشیه خلیج فارس؛ مطالعه موردی: محله البستک شهر دبی»، **هویت شهر**، شماره یازدهم، سال ششم، ۹۶-۸۵، پاییز ۱۳۹۱.
۱۶. متولی، صدرالدین و علی شیخ‌اعظمی (۱۳۹۲)، «سیر تحول فضاهای شهری سنتی در شهرهای ایرانی-اسلامی؛ قبل از مدرنیسم تا پست مدرن»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شماره چهاردهم، ۶۲-۵۱، زمستان ۱۳۹۲.
۱۷. کلاتری خلیل‌آباد، حسین؛ مهدی حقی و محسن دادخواه (۱۳۹۳)، «مولفه‌های اجتماعی الگوی شهرسازی ایرانی و اسلامی»، **مجله نقش جهان**، دوره ۴، شماره ۱، ۲۶-۱۷، بهار ۱۳۹۳.
۱۸. لطیفی، غلامرضا و ندا صفری چابک (۱۳۹۱)، «بازآفرینی مفهوم محله در شهرهای ایرانی اسلامی بر پایه اصول نوشهرگرایی»، **فصلنامه مطالعات شهری**، شماره هفتم، صص: ۱۲-۳، پاییز ۱۳۹۱.
۱۹. محمدی، جمال؛ مهدی جمالی نژاد و سیدمحمدرضا طلاکش (۱۳۹۱)، «مفهوم فلسفه شهرهای اسلامی بر مبنای اصول پنج‌گانه اسلام و قرآن»، **فدک سبزواران**، سال ۳، شماره ۹، ۱۳۳-۱۰۹، بهار ۱۳۹۱.
۲۰. مردانی، سیده زهرا (۱۳۹۴)، «طبقه‌بندی آراء متفکران مطالعات شهر اسلامی»، **باغ نظر**، شماره ۳۵، سال دوازدهم، ۷۴-۶۵، مهر و آبان ۱۳۹۴.
۲۱. مروتی، سهراب و فرشته دارابی (۱۳۹۳)، «ارائه مدل ارزیابی شهر اسلامی با رویکردی بر شاخص‌های بارز شهر اسلامی در قرآن کریم»، **مدیریت شهری**، شماره ۳۴، صص: ۱۶۹-۱۵۳، بهار ۱۳۹۳.
۲۲. موقر، حمیدرضا؛ احسان رنجبر و محمدرضا پورجعفر (۱۳۹۴)، «بازشناسی مفهوم محله در شهرهای کویری ایران؛ نمونه مطالعاتی: محله‌های شهر ناین»، **مطالعات معماری ایران**، شماره ۸، ۵۶-۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۲۳. میره‌ای، محمد و حسین کلاتری خلیل‌آباد (۱۳۹۰)، «آشنایی با طرح‌های توسعه شهری (طرح‌های هادی، جامع و تفصیلی)، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، معاونت آموزشی پژوهش‌گده مدیریت شهری و روستایی، مستان ۱۳۹۰.

- شهری مورد بررسی قرار گرفته و شاخص‌های طراحی محله‌های مسکونی اسلامی تدوین و به عنوان یک دستورالعمل از طرف مراجع ذیصلاح ابلاغ شود تا در طراحی محله‌های جدید مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهادات خردتر و در سطح محله‌های شهری نیز به شرح زیر ارائه می‌شود:
  - ۱- طراحی فضاهایی برای تجمع و مشارکت همگانی مردم در امور محله خویش؛
  - ۲- ارتقاء حس مسئولیت‌پذیری در بین ساکنان محله؛
  - ۳- تعیین مدیر و شورای محله،
  - ۴- تعیین نقش واحد برادر برای محله‌های شهری؛
  - ۵- برنامه‌ریزی محله مبنای باید به صورت یک دستورالعمل برای مدیران شهری باشد.
  - ۶- توجه ویژه به طراحی فضاهای مذهبی در محله‌های شهری مانند مسجد که باعث افزایش همکاری و تعاملات می‌شود.
  - ۷- سهولت دسترسی ساکنان محله به تمامی امکانات و خدمات عمومی؛
  - ۸- رعایت سلسله مراتب در طراحی فضاهای شهری،
  - ۹- برقراری نظم و هماهنگی در طراحی جداره و نمای خیابان‌های محله؛
  - ۱۰- مکان‌یابی مطلوب عناصر شهری در محله‌ها؛
  - ۱۱- طراحی محله‌های جدید در شهرها، هماهنگ با طبیعت و اقلیم منطقه؛
  - ۱۲- افزایش سازگاری و انطباق کاربری‌ها با یکدیگر در محله‌های شهری.

## فهرست منابع و مراجع

۱. باستانی راد، حسن (۱۳۹۱)، «کوی (محله) در شهرهای ایرانی سده‌های نخستین اسلامی»، **پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، شماره ۱۰، ۳۰-۱، بهار و تابستان.
۲. پیربابایی، محمدتقی و حسن سجادزاده (۱۳۹۰)، «تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی»، **باغ نظر**، شماره ۱۶، سال ۸، ۲۸-۱۷، بهار ۱۳۹۰.
۳. ثقه‌الاسلامی، عمیدالاسلام و بهناز امین‌زاده (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی»، **هویت شهر**، شماره سیزدهم، سال هفتم، ۴۴-۳۱.
۴. حبیبی، محسن؛ مهدی تحصیلمدار و محمدرضا نویدپور (۱۳۹۰)، «شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه‌های معاصر شهرسازی»، **مسکن و محیط روستا**، شماره ۱۳۵، صص: ۲۲-۳، پاییز.
۵. دانشپور، عبدالهادی؛ مریم روستا (۱۳۹۱)، «خوانش ساختار شهر؛ گامی به سوی شکل‌شناسی شهری»، **انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران**، شماره ۴، ۵۴-۴۵، بهار و تابستان.
۶. دانشپور، عبدالهادی؛ راضیه رضاداده؛ فرزاد سجودی و مریم محمدی (۱۳۹۲)، «بررسی کارکرد و معنای فرم شهر مدرن از منظر نشانه‌شناسی لایه‌ای»، **نامه معماری و شهرسازی**، شماره ۱۱، ۸۷-۷۱، پاییز و زمستان.
۷. رحیمی، حسن (۱۳۸۶)، **در جستجوی شهر اسلامی پایدار**، پیک نور، سال پنجم، شماره دوم، ۹۸-۹۰.

۲۴. نقره کار، عبدالحمید؛ مهدی حمزه نژاد و صدیقه معین مهر (۱۳۹۲)، «راهبردهای تقویت تعاملات انسانی در طراحی محیط زندگی از منظر اسلامی؛ مطالعه موردی: بررسی بافت کهن کرمان در دو مقیاس محله-خانه»، **مطالعات شهری**، شماره ۳، صص: ۴۶-۳۱، تابستان ۱۳۹۲.
۲۵. نقی زاده، محمد (۱۳۸۹)، «تأملی در چیستی شهر اسلامی»، **مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**، دوره اول، شماره اول، ۱۴-۱، پاییز ۱۳۸۹.
۲۶. نقی زاده، محمد (۱۳۷۷)، «صفات شهر اسلامی در متون اسلامی»، **هنرهای زیبا**، شماره ۴ و ۵، ۶۱-۴۷، زمستان ۱۳۷۷.
۲۷. نوذری، شعله (۱۳۸۳)، «رهنمودهای طراحی فضاهای باز مسکونی»، **صفه**، شماره ۳۹، دوره ۱۴، صص: ۶۶-۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۳.
28. Bramley, G., & Kirk, K. (2005). "Does planning make a difference to urban form? Recent evidence from Central Scotland". **Environment and Planning**, 37(2), 355-378.
29. Barton, H., Grant, M., & Guise, R. (2003). **Shaping neighborhoods: a guide for health, sustainability and vitality**. Taylor & Francis.
30. Daher, R. F. (Ed.). (2006). **Tourism in the Middle East: Continuity, change and transformation** (Vol. 9). Multilingual Matters.
31. Khazaei, M., & Babajani, M. (2016). "Historical analysis of the concept neighborhood in Iranian-Islamic city and comparing it with neighborhood in West (Presenting a new model in accordance with the Charter of the New Urbanism)". **International Journal of Advanced Biotechnology and Research (IJBR)**, 7, 539-548. <http://www.bipublication.com>
32. Mirzabaki, M. (2015). "Restoration of Urban Identity in Historical Neighborhoods of Islamic Metropolises (Case Study: The Noghhan Neighborhood of Holy City of Mashhad)".
33. Rozhan, A., Yunos, M. Y. M., Isa, N. K. M., Ariffin, N. F. M., Kamil, S. M., Azmee, N., & Abas, A. S. (2016). "Analysis of Islamic Safe City Planning Concept for a Better Living Environment". **RESEARCH JOURNAL OF FISHERIES AND HYDROBIOLOGY**, 11(3), 69-73.
34. Safee, F. A., Yunos, M. Y. M., Isa, N. K. M., Kamil, S. M., & Hussain, M. A. (2016). "Principle of Islamic Neighborhood Planning in Order to Create a Better Neighborhood Community". **RESEARCH JOURNAL OF FISHERIES AND HYDROBIOLOGY**, 11(3), 218-222.
35. Sattari, M. H., Rajabi, A., & Jahangiri, B. (2014). "A STUDY ON THE CONCEPT OF DISTRICT OR NEIGHBORHOOD IN ISLAMIC CITIES". **Indian J. Sci. Res**, 5(1), 296-304.

Archive



# Comparative Comparison of New and Old Neighborhoods of Isfahan in terms of Adaptability to Iranian-Islamic Indicators

## Case Study: Isfahan Juybareh neighborhoods and Negin town

**Jamal Mohammadi** \*(Corresponding Author)

Associate Professor in Geography and urban planning, faculty of geographical science and planning, university of Isfahan

\* [j.mohammadi@geo.ui.ac.ir](mailto:j.mohammadi@geo.ui.ac.ir)

**Seyed Reza Azadeh**

Ph. D student in Geography and urban planning, faculty of geographical science and planning, university of Isfahan

### Abstract:

Today, in the literature of planning and urban design, Focus on small-scale urban in the military hierarchy of Urban divisions as the most important residential scale has been Special attention. In this case, attention to the Iranian and Islamic values had a decisive role in the type of elements, attributes, quality of relationships, the way formation and the identity of the neighborhood and the city. In this case, present research evaluates the features designed in the neighborhoods with the help of indexes that derived from the principles of the Islamic religion. To achieve this aim, two neighborhoods (Juybareh as an old neighborhoods and Negin town as a new neighborhoods) was selected in Isfahan. Then the residential neighborhood design indicators based on the principles of Islam religion was extracted. In this regard, 25 indicators in the three aspects (Physical, Social and Economical) were selected. In the next step, using the questionnaire technique and field studies, the research data were collected. In the next step, the collected data was entered into SPSS software. Finally, the Situation of two neighborhoods, according to the Islamic community design indicators through using two-sample t-test were compared. The results of statistical analyzes indicate that the mean of the two groups in the two neighborhoods studied has a significant difference in 20 indexes and also the average of the indicators in the neighborhood of Juybareh is much higher than Negin town. Respectively, the largest difference between the two studied areas is in the social, physical and economic sectors. The important point is that in the economic sector have very little difference between the two neighborhoods.

**Keywords:** Design, residential neighborhood, Islamic city, Indicator, Juybareh, Negin town, Isfahan.